

● خصوصیات عاطفی و روانی

همان طوری که نوجوان از لحاظ بدنی دچار تغییر می گردد، از لحاظ روانی و عاطفی نیز دچار تحولات عمیقی می شود. نوجوان بخصوص اگر نسبت به مسئله بلوغ و صفات ثانویه اش بی اطلاع باشد دچار مشکلات روحی زیادی می شود. نگرانی، ترس، شرمندگی از مهمترین عوارض آن است.

علاوه بر این موارد، نوجوان بر اساس سیر طبیعی یا به علت عوامل محیطی دچار تظاهرات عاطفی و روانی مختلفی می گردد که اهم این موارد عبارتند از:

۱ - طغیان احساسات

نوجوان انسانی سراسر احساس است، احساسات او در موارد بسیاری تجلی می یابد. مهمترین این احساس عبارتند از:

الف) زودرنجی

نوجوان فردی حساس و زودرنج و نسبت به رفتارهای دیگران دقیق و نکته سنج است. کوچکترین حرف، خنده و نگاه افراد برای او یک دنیا معنی دارد یعنی ممکن است هر حرکت غیر مربوط را به خودش بگیرد و احساس کند، منظور از این حرف طعنه زدن به او بوده است. منفی بافی های آنها به همین محدود نمی شود، نوجوان در برابر کمترین مشکل و یا ناراحتی خود را می بازد و به نظرش می رسد: دنیا به آخر رسیده است! او هر مشکل کوچکی را چنان برای خود بزرگ و دشوار می کند که هر لحظه دچار هیجانات شدیدتری می گردد و تا مدت ها افسرده و غمگین می ماند. نوجوان می خواهد همه چیز مطابق میل او باشد و تحمل کوچکترین مانع را بر سر راهش ندارد او جنبه های منفی هر قضیه را بزرگ نموده و به نقاط قوتش توجه ندارد.

اگر از او انتقاد شود، سریع موضع گرفته ناراحت می شود و چه بسا ممکن است فکر کند منتقد با او دشمنی دارد.

ب) خشم و عصبانیت

هر امری که مانع تحقق امیال و نیازهای نوجوان باشد و یا هر مسئله ای که باعث شود نوجوان احساس ظلم، محرومیت و تبعیض نماید، خشمش را به شدت برمی انگیزد. خشم نوجوان به عکس کودک فوری خاموش نمی شود و از طرق مختلفی بروز می کند؛ گاهی به صورت تهاجم، پرخاش و سرپیچی وزمانی با داد و فریاد و ناسزا و تمسخر و توهین وزمانی با پرتاب اشیا و لگد زدن همراه است. بعضی از مواقع نیز نوجوان خشم خود را

تربیت اخلاقی (۲)

● افضل الملوک حسینی

● مقدمه

در شماره گذشته درباره دوره نوجوانی و خصوصیات بدنی، و عقلانی و اجتماعی آن بحث شد، اینک خصوصیات عاطفی و روانی نوجوان مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد.

می خورد و تنها از چهره اش می توان عصبانیت او را دریافت. نوجوان ممکن است خشمش را متوجه خود کند و به سرزنش خویش بپردازد. دختران گاهی خشم خویش را با گریه کردن بروز می دهند. تفاوت نوجوان و بزرگسال در این امر مربوط به زودانگیختن و شدت خشم نوجوان است.

ج) محبت و عشق

محبت و ورزیدن از ویژگیهای بارز احساسی نوجوان است. محبت در نوجوان آن چنان به افراط کشیده می شود که تبدیل به عشق می گردد، نوجوانان یکدیگر را صمیمانه و بدون هیچ آلاشی دوست دارند که چه بسا تبدیل به دوستیهای پایداری گردد.

نوجوان، عشق و محبت خویش را به هر کس که لایق بیانگارد تقدیم می کند. همکلاس، معلم، قهرمانان فیلمها و داستانها و هر عمل قابل تحسینی که از این افراد سرزند باعث تثبیت محبت آن افراد در دل نوجوان می گردد. جنبه های منفی او نزد نوجوان کم رنگ و نقاط مثبتش بزرگ می شود، چنان که نوجوان به خاطر او حاضر است خود را به هر آب و آتشی بزند.

با توجه به بروزگریزه جنسی گاهی محبت نوجوان به جنس مخالف معطوف و به افراط کشیده می شود که به علت مغایرت با عرف و آداب جامعه نوجوان دچار مشکلات و مسایل زیادی می شود. نوجوان همان طور که محبت می ورزد، نیازمند به محبت است. پس اگر از محبت کافی برخوردار باشد، کمتر به دام عشقهای کاذب می افتد.

۲- ترس

هر چند بعضی ترسهای کودکی در نوجوانی از بین می رود اما به جای آن ترسهای جدیدی جایگزین می شود. نوجوان به دلیل حساسیت زیاد با بسیاری مسایل مواجه است که آنها را برای خویش دشوار می سازد، مانند تصور آن که در دروسش نمره کافی نیاورد، او را به شدت می ترساند. اضطراب امتحان که بین دانش آموزان نوجوان شایع است، ناشی از این امر است. نوجوان از این که موقعیت خویش را نزد معلم، خانواده و همکلاسانش از دست بدهد به هراس می افتد که این امر ممکن است باعث دلزدگی او از تحصیل و مدرسه گردد.

ترسهای دیگر نوجوان مربوط به خانواده می شود، نوجوان علی رغم آن که در ظاهر وابستگی و علاقه اش به خانواده را کتمان می کند اما قلباً به آنها وابسته و علاقه مند است و بنا به خصوصیات خیالبافی اش ممکن است به این فکر بیفتد که اگر یکی از والدین یا دیگر اعضای خانواده را از دست بدهد چه

خواهد کرد، تصور این مسئله او را به شدت می ترساند، به خصوص اگر شاهد مصیبتی باشد یا افراد خانواده دچار بیماری گردند، این ترس قوت می گیرد. ترسهای مربوط به خانواده، اگر بین والدین اختلافی باشد رنگی دیگر می گیرد. ترس نوجوان از امکان جدایی والدین همواره او را می آزارد. از دیگر مواردی که باعث ترس نوجوان است، ترس از عدم پذیرش گروه، ترس از آینده و بیدار نکردن شغل مناسب و ترس از خوشایند نبودن چهره خویش است. بنابراین نوع ترس در نوجوانی کاملاً عوض می شود و جنبه اجتماعی می یابد. در اواخر نوجوانی از شدت و نوع ترسهای او کاسته می شود.

۳- گوشه گیری و کمرویی

بعضی از نوجوانان تمایل شدیدی به گوشه گیری و تنهایی می یابند، آنها دوست دارند اغلب اوقات فراغت در تنهایی باشند و به تفکر پیرامون خود و دیگر مسایل جهان و طبیعت

*** نوجوان همان طور که محبت می ورزد، نیازمند به محبت است. پس اگر از محبت کافی برخوردار باشد، کمتر به دام عشقهای کاذب می افتد.**

بپردازند.

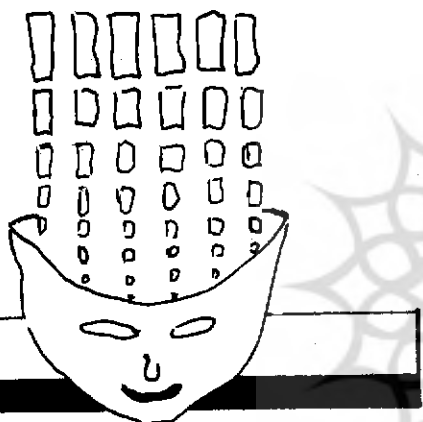
گزل اعتقاد دارد نوجوان به خصوص در اوایل این دوره توجه خاصی به طبیعت دارد و نسبت به آن کنجگاو است. پس ترجیح می دهد جایی خلوت یافته و به تجزیه و تحلیل مشاهدات خویش بپردازد و حقیقت را کشف کرده و یا خودشناسی نماید، به همین دلیل هم بعضی از نوجوانان درصدد تشخیص خوب از بد برآمده و با عدم پیروی از اعمال زشت دیگران و دنبال کردن رفتار خوب درصدد اصلاح خود بر می آیند که به آن خود تربیتی گفته اند.

اگر گوشه گیری شدت یابد، مانع روابط اجتماعی نوجوان می گردد اما در حد متعادل همان طور که گفته شد می تواند مفید باشد.

عدم ارتباط صحیح با افراد گاهی ناشی از کمرویی است و نوجوان از دیگران به خصوص بزرگترها خجالت می کشد، چنین افرادی حتی برای احقاق حق خویش نیز توانایی ندارند.

روان شناسی

رنگها



● مهدی علی اکبرزاده

قسمت آخر

کمرئوی اصولاً ناشی از عوامل مختلفی چون احساس حقارت، ترس، اضطراب و عدم امنیت است.

کمرئوی سد پیشرفت و فعالیت سازنده نوجوان است و او را به انزوایی می کشاند و مانع رشد استعداد نوجوان می گردد. نوجوان کمر و همچنین نمی تواند مشکلات و مسائلش را مطرح کند، در نتیجه مشکلات او هر روز اضافه گشته و لاینحل باقی می ماند. نوجوان کمر و خود را قبول ندارد یا در برابر بزرگترها احساس ضعف و کوچکی می کند یا از این که به او سخن توجه نشود می ترسد. که البته این مسائل نیز عللی دارد، مانند تحقیر شدن به وسیله والدین و مربیان، سلب آزادی و تحکم به او، همچنین کمر روی والدین همه از عوامل مهمی است که از کودکی کمر روی فرد را دامن می زنند.

البته باید بین کمرئوی با شرم و حیا که اصولاً در دختران دیده می شود، تفاوت قابل شد، شاید بتوان آن را کمر روی مثبت نامید زیرا شرم مانع خطا کاری و گستاخی می گردد.

۴ - توجه به خود و خودنمایی

نوجوان به خویش توجه زیادی دارد. او دائماً در حال ارزیابی چهره و اندام خویش است و اصولاً از زینت دادن و از تماشای خویش لذت می برد. توجه به خود گاهی آن چنان شدت می یابد که نوجوان به خویش عشق می ورزد. توجه به خویش اگر به شکل متعادل باشد، اثرات سازنده ای دارد زیرا فرد به دنبال کمال خویش می رود. پس به آنچه باعث رسیدن به این مقصود است مانند اخلاق نیکورومی آورد. اما افراط در توجه به خویش به عجب و خودپسندی و غروری جا منتهی می شود که عامل بازدارنده فرد از رسیدن به درجات عالی است. توجه و عشق به خود باعث می شود نوجوان بخواهد کمالات و برتری خویش را به دیگران ثابت کند. پس به ابراز وجود و خودنمایی می پردازد او برای خودنمایی به هر طریق که ممکن باشد دست می یازد، پانک شدن جوانان در این زمانه، نمونه بارز این مسئله است. لباسهای رنگارنگ پوشیدن، آرایش دادن عجیب موها، حتی تراشیدن موی سر توسط دخترها همه برای جلب نظر دیگران بخصوص جنس مخالف است. بسیاری از ادعاها و لاف زدنهایی که از نوجوان سر می زند از همین امر ناشی می شود.

نوجوان بدون توجه به واقعیات دنیای خارج خود را منشاء و مرکز انجام کلیه امور دانسته و اندیشه های او تحت خواسته هایش قرار می گیرد که به این حالت «درون مداری» گفته اند. ●